

شعبان قرآن و حدیث از

رسول الله (ص)

حجه الاسلام و المسلمین رسول جعفریان
استاد حوزه و دانشگاه

● مقدمه

برجسته‌ترین و بزرگ‌ترین کلمه‌ی خدا در همه‌ی آفرینش، وجود گرامی‌خاتم الانبیاء حضرت محمد بن عبد الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت اوست و روایات فراوانی بر این حقیقت، دلالت دارد.

تعبیرات و ترکیبات بکار رفته درباره‌ی این پیامبر بزرگ الهی در قرآن کریم و احادیث بسیار قابل توجه و درس آموز است آنچه در این مقاله کوتاه مطرح گردیده آگاهی بخشی به نویسندگان و گویندگان است تا از تعبیرات و ترکیبات غلط که با جعل مغرضانه مستشرقان وارد بر حوزه معارف دینی ما شده است، پرهیز نموده و از تعبیرات و ترکیب‌های صحیح قرآنی و روایی بهره‌جویند.

● ترکیب غلط (پیامبر اسلام) را بکار نبریم؟

سالها پیش مرحوم امیری فیروز کوهی، شاعر و محقق برجسته کشورمان، مقاله

ای درباره غلط بودن تعبیر (پیامبر اسلام) در مجله دانشکده الهیات مشهد نوشته بود
وقتی آن را شنیدم از اینکه تعبیر (پیامبر اسلام)، تعبیر نادرستی است ابتدا برایم
نامأنوس بود اما بعد از مطالعه آن مقاله، دریافتم که حق با آن شاعر فرهیخته و استاد
ارجمند بوده است.

تعبیر (پیامبر اسلام) تعبیر بسیار غلط، مغرضانه و ساخته دست مستشرقان بوده
و بر اهل قلم و گویندگان لازم است که آنرا در هیچ جگه بکار نبرند.

مع الاسف شاهدیم که بی دقتی ما دامنه اش چندان وسیع است که بسیاری از
نویسندگان و گویندگان ما از این تعبیر غلط در عناوین کتاب هایشان و عنوان سخنرانی
هایشان و رسانه ها در تیترا خبرشان استفاده می کنند طی سالهای گذشته شاهد بوده و
هستیم که در بیشتر متن هائی که در صدا و سیما خوانده شده یا در مطبوعات درج
گردیده همیشه از این ترکیب نادرست استفاده شده و می شود بدون آنکه بر غلط بودن
و ترکیب مغرضانه (پیامبر اسلام) واقف باشند.

● پیامبر اسلام یا رسول الله (ص)؟

قداست کلمه (رسول الله) هم بسیار روشن، واضح و آشکار و نادرستی تعبیر
(پیامبر اسلام) با اندکی تأمل قابل درک است.

در ضمن کار و مطالعه آثار اسلامی، دریافتم که آنچه همیشه و همیشه میان مسلمانان
و در متون مقدس از قرآن و حدیث و غیره بکار رفته تعبیر «رسول الله» است نه رسول
الاسلام که هیچ سابقه ای ندارد. حتی امروز هم در فرهنگ مسلمانان غیر فارسی
زبان، به خصوص در زبان عربی، کسی تعبیر رسول الاسلام را به کار نمی برد. محتمل
است که این تعبیر نادرست در آثار مارکسیست های عرب یا لائیک های ضد دین به کار
برود و به وضوح یک خواننده عرب با دیدن تعبیر رسول الاسلام می فهمد که نویسنده
اعتقادی به نبوت ندارد.

اما در زبان فارسی به طور اعم یعنی توسط مسلمان و غیرمسلمان بکار رفته و این
هم ناشی از بی دقتی ما در انتخاب ترکیب های وارداتی یا ترجمه معادل های انگلیسی به
فارسی است.

آنچه در این باره باید توجه داشته باشیم این است که وقتی ما کلمه «رسول» را به کار

می‌بریم مقصودمان فرستاده و نماینده است. در این فرستاده مهم آن است که از طرف چه کسی آمده است نه آن که چه چیزی را آورده است.

این اهمیت از آن بابت است که قداست رسول به آن است که از طرف خدای تعالی برای زمینیان فرستاده شده است. خداوند مرتب روی این جنبه تکیه دارد و به همین دلیل است که تعبیر رسول الله در متون مقدس استفاده می‌شود. در قرآن به طور مؤکد تعبیر به رسول الله داریم و متأسفانه در فرهنگ ما به کار بردن این تعبیر قرآنی ترک شده و به جای آن، آن تعبیر نامأنوس آمده است.

اگر ما جهت الهی رسالت را با ساختن تعبیر «پیامبر اسلام» کنار بگذاریم، درست به همان هدفی که مستشرقان از جعل و کاربرد این تعبیر داشته‌اند نزدیک شده ایم. آنان اعتقادی به این که محمد (ص) از طرف خدا آمده ندارند، اما با این مطلب که محمد (ص) دین اسلام را میان مردم آورده مشکلی نداشته و این تعارضی با معتقدات و باورهای غیردینی یا ضد دینی آنان ندارد. بنابراین به راحتی کلمه پیامبر اسلام را ساخته‌اند و به جای پیامبر خدا (ص) گذاشته‌اند.

البته می‌پذیریم که وقتی یک مسلمان ایرانی، کلمه پیامبر اسلام را به کار می‌برد قصد انکار آن طرف یعنی بعد الهی این رسالت را ندارد. اما این امر بر حسب عادت است نه آن که بر اساس این تعبیر به جنبه الهی بودن دین می‌رسد.

از علاقه ای که به این مسأله داشتم در پی یافتن مقاله مرحوم فیروزکوهی برآمدم و آن را یافتم. ایشان در این مقاله کوتاه می‌نویسد:

«معلوم نیست چرا و به چه سبب چند سالی است که اغلب بکله عموم نویسندگان و گویندگان و خطبای فاضل و سخنرانان ما، این عمومیت و اطلاق را از شمول و اتفاق انداخته و به قید و تخصیص آن در مکاتبات و محاورات خود پرداخته‌اند و مدام بر فراز منابر و متون دفاتر می‌گویند و می‌نویسند: «پیغمبر اسلام چنین گفت، پیغمبر اسلام چنان کرد».

حقیر احتمال می‌دهد که این بی‌توجهی و انصراف ازهان، حتی از طرف فضلا و صاحب علمان، از وقتی به ظهور و تداول عامه یافت که مترجمان کتب خارجی و سیره نویسان غیر مسلمان، به ترجمه و نقل از کتب ایشان بدون توجه و دقت شایان دست زده و عین نوشته‌ها و کلمات و اعتقادات و نظریات آنان را کلاً و جزءاً وارد عبارات و

جملات مورد ترجمه خود کرده‌اند.

.... اما مسلمانی که اعتقاد به خاتمیت، ضروری دین و اعتقاد اوست و مسلمان فاضلی که به نص قرآن مجید و عین اخبار و قطع سیره، بلکه بحکم عقل و استدلال و وصول به درجه کمال، همین عقیده مورد قطع و یقین اوست، دیگر مُجاز نیست که به هیچ گونه تخصیصی از اقسام مخصوصات و هیچ نوع قیدی از انواع قیود (حتی قید توضیحی) این عمومیت و اطلاق را مخصوص و مقید گرداند، و عقاید دیگران و تخصصیات و تقيیدات آنان را مورد لحاظ قرار دهد و در گفته‌ها و نوشته‌های خویش بکار برد».

و السلام



۱- مجله دانشکده الهیات مشهد - شماره ۱۴

(سال ۵۴ - صفحات ۲۱۵ - ۲۱۸)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱۳۸۵